

از عدم مقاومت تا مقاومت فعال

«اگر تو دستت را برای کشتن من بگشایی، من دستم را به سوی تو برای کشتن تو دراز نخواهم کرد. من از پروردگار جهانیان بیمناکم»
(سوره مائده آیه ۲۸)

مرحله بعد خانواده‌اش را دربر می‌گیرد تا در مراحل رشد بعدی شامل همسایه و قوم و خویش و محله و شهر و کشور و ملت و منطقه و کل انسان و بشریت و بالاخره کائنات می‌شود. خود کوچک با همه سر جنگ دارد، خود کائناتی با همه جهان در صلح و محبت و عشق و دوستی است. مرام پیامبران، مصلحان، فلاسفه و بشردوستان دست‌کم در سخن چنین است. حال کدام‌یک توانسته باشند سخن را به مرحله عمل درآورند. حرف دیگری ناشی از شخصیت (سپهر) باطنی آن‌هاست.^۲

در ابتدای قرن بیستم نظریه عدم خشونت در هند و عمل گسترده و عمیق به آن با رهبری گاندی و حزب کنگره، وارد مرحله برساخت فلسفه سیاسی و اجتماعی شد. گاندی خود، روش مسالمت‌آمیز مقاومت را از عارف انگلیسی ثورو،^۳ جان راسکین^۴ و اندیشمند و نویسنده روسی تولستوی الهام گرفته بود و اولین مرحله از مقاومت بدون خشونت علیه نژادپرستی را در آفریقای جنوبی به مرحله آزمایش و عمل درآورد و سپس آن را در شبه‌قاره هند، موطن خود به‌طور خستگی‌ناپذیری ادامه داد. دو اصل «آهیمسا» (عدم خشونت) و «ساتیاگراها» (حقیقت) که برخاسته از آیین‌ها و فرهنگ و تاریخ هند بود به‌طور جدی و پیگیر به راه و رسم زندگی سیاسی و مقاومت فعال و صلح‌آمیز هندی‌ها در

برابر بریتانیایی‌های اشغالگر تبدیل شد. تا جایی که گاندی به‌محض آنکه جنبش استقلال کوچک‌ترین لغزشی به سوی خشونت نشان می‌داد با اعلام روزه از رهبری جنبش کناره می‌گرفت. گرچه پیش و پس از آن، اینجا و آنجا جلوه‌هایی موفقیت‌آمیز از جنبش‌های مقاومت بدون خشونت از جمله در نهضت مشروطیت، جنبش تنباکو و نهضت ملی در ایران وجود داشت. با این حال جنبش عدم خشونت هند وزن و اعتبار و اهمیت دیگری یافت. به‌طوری پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، توسل به مقاومت مسالمت‌آمیز در گوشه و کنار دنیا به جنبش هند به رهبری گاندی ارجاع داده می‌شد.

هم‌زمان با جنبش‌های مسالمت‌آمیز در هند، آفریقا و جاهای دیگر آسیا و خاورمیانه مبارزات مسلحانه و توسل به خشونت انقلابی برای آزادی، استقلال ملی یا اهداف طبقاتی در

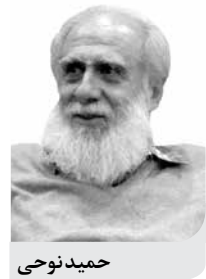
نیمه اول و ربع دوم قرن بیستم در اوج خود بود. با کمی تساهل شاید بتوان انقلاب کبیر فرانسه در پایان قرن هجدهم و کمون فرانسه در نیمه اول و دوم قرن نوزدهم و همچنین انقلاب سوسیالیستی شوروی در اول قرن بیستم را پیش‌درآمد این دوران دانست: مردم ویتنام، کره، چین و کوبا با نبردهای قهرآمیز کم و بیش متکی به ایدئولوژی مارکسیستی با هدف برقراری جامعه‌ای بی‌طبقه بر

برخی از مسیحیان باور دارند عیسی مسیح فرموده: «اگر کسی به تو سیلی زد، روی دیگر خود را برای دریافت سیلی دیگر به‌سوی او برگردان». آیین موهیسم ۴۷۰ سال پیش از میلاد و همچنین جینیسم از مذاهب هندو، مخالف هرگونه آزار و خشونت نسبت به موجودات عالم هستند. بعضی از مذاهب هند آن‌قدر در آزار نرساندن به دیگری و عدم خشونت (در برابر هر موجود دیگری) پیش‌رفته‌اند که حیوانات مودی را از نیز خود نمی‌رانند. در ادیان کهن ایرانی همچون آیین زرتشت، نیز فقط جواز کشتن حیوانات مودی صادر شده و لاغیر. افزون بر آیه ۲۸ سوره مائده (فوق‌الذکر) در بعضی از آیات قصاص نیز عفو توصیه و بهتر از انتقام دانسته شده. با این حال خشونت در برابر خشونت، چشم در برابر چشم^۱ و حتی انتقام و خشونت مضاعف همواره موجب جنگ‌ها، شورش‌ها، قیام‌ها و

انقلاب‌هایی خونین با اهداف گوناگون بوده است: کشاکش‌های قبیله‌ای، قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، در سطوح کوچک و بزرگ، قصاص و تماشای هیستریک مراسم اعدام در ملاعام، لذت بردن از به جان هم انداختن حیوانات (خروس‌بازی) و انسان‌ها (بردگان و گلابدیاورها) و انسان و حیوان (گاو‌بازی) و هزاران رسم و عادت دیگر حاکی از گرایش (تربیتی یا خاطره کهن حیوانی) انسان به خشونت است.

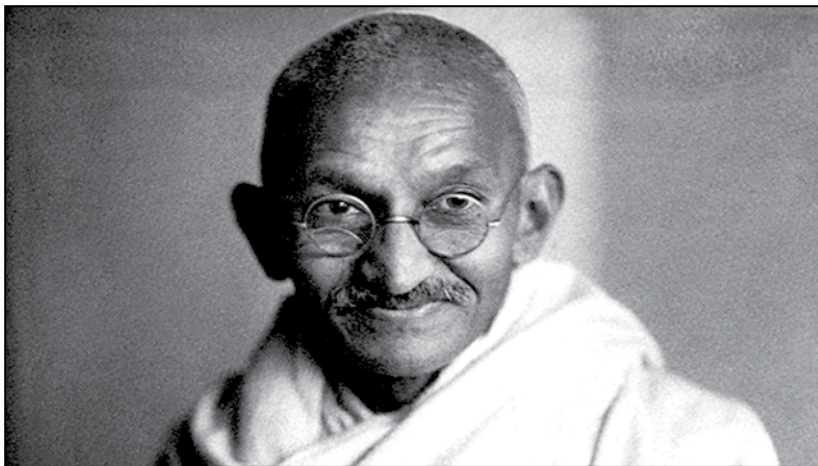
تاکنون بشر ظاهراً و در بیشتر اوقات مشکلات خود را با خشونت حل کرده، اما خشونتی خشونت‌آفرین. خشونت در برابر «دیگری» اعم از دین دیگر، ملت دیگر، احزاب و ایدئولوژی دیگر، کشور دیگر، قدرت دیگر، ثروتمند دیگر، سلطان دیگر، مالک دیگر، اندیشه دیگر و هزاران «دیگر»

دیگر (غیرخود). گاهی دامنه این غیرخود بسیار بزرگ می‌شود که ناشی از خود بسیار کوچک است. هرچه خود انسان بزرگ‌تر شود وحدتش با جهان بیشتر است. خود انسان در مرحله اول (طفولیت) به تن و جسمش محدود است. در



حمید نوحی

”
**در ابتدای قرن
بیستم نظریه عدم
خشونت در هند
و عمل گسترده
و عمیق به آن با
رهبری گاندی و
حزب کنگره، وارد
مرحله برساخت
فلسفه سیاسی و
اجتماعی شد**



بزرگ‌ترین و نیرومندترین نیروهای عصر خود پیروز شدند.

شعار صلح از لوله تفنگ بیرون می‌آید (چین) و نبرد مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک (ایران) در جنبش‌های چپ و آزادی‌خواه غلبه (هژمونی یا برتری) داشت. در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی (برابر با ۷۰ میلادی) چه گوارا جهان‌وطن انقلاب مسلحانه کوبا امیدوار بود نبرد مسلحانه در آفریقا، آسیا و خاورمیانه همه‌گیر شود و خود در این راه شهید شد. شهادت او را می‌توان نقطه عطفی در نظریه و روش علمی مبارزه قهرآمیز دانست.

پیش از آن در نیمه اول قرن بیستم بسیاری از مستعمرات یا کشورهای تحت سلطه با قیام مسلحانه آزادی و استقلال و حق انتخاب سرنوشت خود را به دست آورده بودند. همچون الجزایر که با قیام عبدالقادر، رهبر دینی انقلابی، در نیمه قرن نوزدهم علیه اشغالگران فرانسوی شروع شد و در سال ۱۹۶۱ با قرارداد صلح (استقلال) اوپان در سوئیس به سرانجام رسید. این یکی از طولانی‌ترین نهضت‌های آزادیبخش ملی بود. بعدها، اندونزی و دیگر جوامع تحت سلطه آفریقایی و آسیایی و امریکای لاتین با همین روش به آزادی نائل شدند. یکی از موجبات این پیروزی‌ها جنگ اول و دوم جهانی بود. با این حال جنگ دوم جهانی آبستن یک نمونه ضد تاریخی نیز شد: اشغال تدریجی فلسطین و بیرون راندن ساکنان اصلی آن سرزمین به زور اسلحه، ترور، ایجاد وحشت و حمایت بریتانیای کبیر که با فرانسه پس از جنگ اول جهانی سرپرستی (قیمومیت) کشورهای منطقه را میان خود تقسیم کرده بودند. ریشه داستان چه بود و چه شد در حوصله این مقاله نیست، اما

یکی از عوامل این توطئه توأم با خشونت، عکس‌العمل و پاسخی بود که هم درونی شده از طرف قوم یهود نسبت به ظلم و خشونت نازی‌ها در آلمان و خشونت‌هایی که در طول تاریخ از طرف مسیحیان بر آن‌ها رفته بود و هم بیرونی شده (تعکس‌یافته) از طرف اروپاییان در حمایت از رهایی قوم، اما برای کسب آسیایش وجدان و جبران ظلم‌های تاریخی که نسبت به این قوم روا داشته‌اند. ظلم، ظلم آفرید و خشونت، خشونت؛ درحالی که فلسطینیان پس از طی دوران‌های مختلف

مقاومت تهاجمی، اکنون راه مقاومت فعال را در پیش گرفته‌اند. مقاومت فعال ترکیبی است از تظاهرات و فعالیت‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز تا دفاع تهاجمی مسلحانه. می‌خواهم سخن «روح زمانه» را پیش بکشم. قرون شانزدهم تا نوزدهم دوران گسترش قدرت و توسعه اقتصادی اروپا و

رزمندگان با واژه «کینه مقدس طبقاتی» تقدیس می‌شد.

واژه مقدس «کینه» به‌درستی همان چیزی است که نه تنها در فلسفه عدم خشونت جایی ندارد، بلکه از آنجا که در جان و روح همه لانه دارد، گانندی تلاش می‌کرد این جرثومه فساد را با توسل به «ساتیا‌گراها» (حقیقت تا عمق چیزها) و آهیسمما (مقاومت و پایداری صلح‌آمیز بی‌انتها در جست‌وجوی حقیقت) از روح و جان خود و انسان‌های دیگر بزدايد. برای وصول به این اهداف روش‌هایی عملی (تجربه مشترک) به‌منظور تربیت، تزکیه و تولید، همراه با مراسم نیایش در معابد هندو (آشرام‌ها) را توصیه و اجرا می‌کرد.

عدم خشونت، هم راهبرد و هم روش

در اوج مبارزات قهرآمیز نظریه‌ای از طرف شادروان مسعود احمدزاده از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق در ایران به نام «مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک»، به‌عنوان «برابرها» نظریه فلسفی عدم خشونت تدوین شد. به‌راستی مقایسه و ارزیابی میان نتایج و دستاوردهای راهبردها و روش‌های گوناگون و ارزیابی آن‌ها در امور سیاسی و اجتماعی از آنجا که جامعه سیال و همواره در حال حرکت و جنبش است برخلاف مقایسه و ارزیابی‌های شیمیایی و مکانیکی آزمایشگاهی مشکل و بلکه تحقق‌ناپذیر است. بسیار مشکل است که بگوییم نتیجه نهایی انقلاب قهرآمیز چین به حال بشریت مفیدتر بوده یا مقاومت بدون خشونت هند، ولی این را می‌توان گفت که برحسب تجربه:

- ۱- سلسله خشونت در برابر خشونت حَدِ یَقِف ندارد.
- ۲- خشونت درونی می‌شود؛ ابتدا علیه دشمن و سپس به همه و حتی خویشتن خویش سرایت می‌کند و به ویران‌سازی شخصیت خویش می‌انجامد.
- ۳- خشونت مبتنی بر باور به نزاع بی‌پایان و مرز عبورناپذیر خیر و شر است. «من» خوب و «شمای» بد. چیزی که مطلقاً حقیقت ندارد. رأس و بدنه و پایه خوب، سلطان جلاد و مردم شریف و مهربان.

سپس امریکا و ژاپن است که کشورگشایی‌ها و اشغالگری‌ها و بهره‌کشی‌ها در تمام قاره‌ها را به دنبال داشت. قرن نوزدهم و بیستم دوران مقاومت و واپس‌رانی قدرت‌های برآمده از سرمایه‌داری صنعتی به‌طور عمده با توسل به انواع مقاومت‌های کوچک و بزرگ قهرآمیز است. در این میان جنبش عدم خشونت هند یک استثنا و در عین حال یک نمونه نمادین برجسته و آینده‌ساز است، درحالی‌که به دلیل برتری ذهنی دلالت‌های معنایی و روان‌شناختی (هژمونی) نظریه انقلاب‌های مارکسیستی با هدف استقرار جوامع بی‌طبقه در گوشه و کنار دنیا بر افکار جوانان در همه جای دنیا، به‌ویژه در جوامع و کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین در آن هنگام، جنبش آشتی‌جویانه هند به رهبری گاندی و حزب کنگره نه تنها در میان انقلابیون و استقلال‌طلبان گوشه و

کنار دنیا جایگاه و بازتاب قابل‌مقایسه‌ای با انقلاب‌ها و روش‌های مسلحانه (به‌اصطلاح قهر انقلابی)، به‌ویژه در کنار بازتاب‌های گسترده انقلاب کمونیستی چین، ویتنام و کوبا نداشت، بلکه تا حدودی سازشکارانه به‌حساب می‌آمد. به‌راستی نظریه عدم خشونت نه سازشکارانه، بلکه آشتی‌جویانه است؟ آشتی و سازش نه به معنای ارتجاعی در واژگان سیاسی مارکسیستی و انقلابی زمانه، بلکه در مفهوم فلسفی آن که توضیح خواهم داد.

خشونت و انقلاب

خشونت انقلابی دوران مدرن با نظریه‌های فلسفی و سیاسی مارکس از هنگام تدوین بیانیه کمونیست (مانیفست) بازتاب وسیعی در جهان به‌ویژه در میان تحول‌خواهان پیدا کرد. خشوتی که نه فقط مطابق نظریه‌پردازی‌های فلسفی و سیاسی نسبت به دشمن طبقاتی جایز شمرده می‌شد، بلکه تا سطح درونی کردن آن در نزد خود

”
قرن نوزدهم و بیستم
دوران مقاومت و واپس‌رانی
قدرت‌های برآمده از
سرمایه‌داری صنعتی به‌طور
عمده با توسل به انواع
مقاومت‌های کوچک و
بزرگ قهرآمیز است. در این
میان جنبش عدم خشونت
هند یک استثنا و در عین
حال یک نمونه نمادین
برجسته و آینده‌ساز است



۴- در کنش‌های سیاسی مبتنی بر نظریه خشونت، همه‌چیز، بهشت و دوزخ، سعادت و شقاوت، همه از رأس حاکمیت سیاسی طلب می‌شود. همه نگاه‌ها متوجه رأس هرم قدرت شده و از پایه که منشأ اصلی قدرت است غفلت می‌شود.

نگاه به رأس فقط به براندازی رأس می‌انديشد و به غلط تصور می‌کند همین که رأس به زیر آمد، همه چیز درست می‌شود. این البته جزء لاینفک نظریه کلاسیک مارکسیستی است که به اصطلاح به درون و جزء جزء افراد توجه ندارد. در این مورد مقایسه‌ای میان روش و مکتب مارکس و گاندی شایان توجه است. شاید خیلی‌ها ندانند فقط مارکس نبود که خواهان برانداختن مالکیت بود (گیرم فقط از ابزار تولید). افزون بر هم‌زمان انترناسیونال کارگری همچون پرودون، گاندی هم مالکیت را شر می‌دانست و به این دلیل مالک هیچ چیز نبود و مالکیت هیچ چیز را نپذیرفت. تفاوت اساسی در روش و نظریه عدالت‌طلبانه این دو شخصیت بزرگ در این است که یکی (مارکس) بیرون از خود را هدف گرفته بود. همه چیز را مشروط به استقرار نظام سیاسی و اقتصادی کارگری (پرولتاریایی) می‌کرد، اما گاندی اصلاح و عدم پذیرش مالکیت را از خود و یارانش آغاز کرد.^۵

اصلاح (فردی) یا جمعی

دانشمند و فیلسوف برجسته، حسینعلی راشد که تا انقلاب ۵۷ سخنرانی‌هایش در شب‌های جمعه از رادیو ایران پخش می‌شد معتقد بود هرکسی باید خود را اصلاح کند. نظریه‌ای که درست یکصد و هشتاد درجه مخالف نظریه سیاسی انقلابی بود. نظریه انقلاب سیاسی می‌گفت اصلاح فردی هیچ حاصلی ندارد. تا شما و ده‌ها نفر دیگر مشغول اصلاح خود هستید کروکرور مردم قربانی فساد و تباهی می‌شوند و افزون بر آن از واقعیات روزمره جامعه دور و غرق در خیالات و ذهنیات می‌شوید. حرکت‌های فسادبرانگیز در جامعه سرمایه‌داری آن‌قدر فراگیر و وسیع است که هیچ روش اصلاح فردی نمی‌تواند به پای او برسد تا ده‌ها نفر خود را اصلاح کنند. هزاران هزار نفر غرق در استثمار و فساد

روزافزون می‌شوند؛ در نتیجه حاکمیت‌ها همچنان با قدرت به پیش می‌تازند؛ بنابراین تلاش انقلابی باید متوجه براندازی حاکمیت مستقر و به اصطلاح «به دست گرفتن سکان کشتی قدرت» باشد.

اکنون پس از سال‌ها تجربه و به آزمون و خطا گذاشتن هر دو نظریه، تتگانها و تناقض‌های هر دو نظریه آشکار شده. اصلاح فردی از نوع سنتی (انفرادی) به روش آقای راشد) ناتوان از اصلاح جامعه و انقلاب‌های مسلحانه برای کسب استقلال تا مرحله سلبی (خلع ید از قدرت حاکم) موفق و

پس از آن در مرحله ایجابی، (تأسیس و استقرار دموکراسی) راه درازی در پیش دارد.^۶

خشونت‌های آرمانی (انقلابی) عصر مدرن، پس از انقلاب کبیر فرانسه در قرن نوزدهم و بیستم پیامد ایدئولوژی‌های انقلابی با نیت انسان‌دوستانه جهان‌شمول، شفاف و متوجه شالوده‌های نظام‌های مستبد یا استعمارگر و استثمارگر و متکی به معنویات و اخلاقیاتی تعریف شده هستند که صرفاً علیه عوامل و حامیان نظام‌های مزبور اعمال می‌شوند. آن‌ها هم نه به عنوان هدف درجه اول، بلکه در شرایط خاص و بسیار محدود. مجاهدین افسران عالی‌رتبه اطلاعاتی ایرانی و امریکایی را هدف می‌گرفتند و چریک‌های فدایی به‌طور بسیار محدود برحسب نظریه‌های جهانی ایرانی شده، سرمایه‌داران وابسته را (مطابق تحلیل خودشان). اکنون پس از گذر از این تجربیات تاریخی راه سومی میان اصلاح فردی و خشونت انقلابی گشوده

شده است. به نظر می‌رسد در واقع این راه سوم، مقاومت بر اساس توصیه‌های بن سائق ادامه و تکامل راهبرد مقاومت بدون خشونت است. بدون نیاز به باورهای متافیزیکی، اما در عوض، کثرت‌پذیر و بدون نیاز به اقلیت ابرمردان آماده هرگونه جانبازی و قابل‌پذیرش و مشارکت برای عموم مردان و زنان در دوران ما. یکی از نظریه‌پردازان

این راه سوم که در ایران به نام «جامعه مدنی» (قدرت مدنی) شناخته شده و آن را با واژه‌هایی همچون «قدرت پایه»، «قدرت موازی» و «قدرت جایگزین» معرفی کرده و خود به‌طور جدی در موطن اصلی‌اش آرژانتین و موطن دومش فرانسه در آن مشارکت دارد میشل بن سائق^۷ فیلسوف-روانکاو فرانسوی آرژانتینی الاصل و چه گوارائیت دهه ۷۰ میلادی است که برای خواننده ایرانی نامی ناآشنا نیست. تاکنون سه کتاب^۸ از او در ایران منتشر شده که محافل کتاب‌خوانی تکثیر

کرده‌اند و در گروه‌های دانشجویی و روشنفکری به بحث گذاشته می‌شود. از تصادف روزگار به نظر می‌رسد کشور ما زودتر از هر جای دیگر در منطقه به این راه (راه سوم) قدم گذاشته است. اعتراضات مسالمت‌آمیز خرداد ۱۳۸۸ و پویایی‌های نهادهای مدنی یا شبکه‌های اجتماعی، ان‌جی‌او‌ها که در ایران سازمان‌های مردم‌نهاد [سمن] نامیده می‌شود، به‌رغم سنگ‌اندازی‌ها و مشکلات بسیار زیاد، نماد آمادگی جامعه ایرانی برای رشد این نظریه است. نظریه‌ای برای خروج از بن‌بست ناشی از سلطه جریان راست سرمایه‌داری جهانی؛ جریانی که خود را در تمام جهان از امریکا گرفته تا ایران با ویژگی‌هایی چون جنبش‌های بدون فرمانده و بدون تشکل‌های حزبی سنتی، بدون مرکزیت، بدون سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی و در یک کلام کاملاً مردمی و خودجوش خود را نشان می‌دهد. در این میان دو انگیزه قوی در میان خوانندگان فارسی‌زبان برای علاقه‌مندی به خوانش بن سائق آشکار شده:

اول: سابقه زندگی و در میدان عمل (بخوانید مبارزه) بودن از هنگام جوانی در دهه ۷۰ میلادی (دهه ۵۰ هجری). او از نسل آرمان‌گرا و عدالت‌خواه بعد از جنگ دوم جهانی یعنی دو دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی (دهه ۴۰ و ۵۰ هجری) است. سال‌های انقلاب سراسری چین، جنگ‌های ویتنام و کره که طی آن کمر ارتش‌های فرانسه و امریکا به نحو خفت‌باری شکست، انقلاب آزادی‌بخش الجزایر بر علیه استعمار فرانسه، انقلاب‌های آزادی‌بخش کشورهای آفریقایی به رهبری پاتریس لومومبا، جنبش غیرمتعهدها به رهبری رجال سیاسی در آسیا و آفریقا با رهبری جمال عبدالناصر در مصر، احمد سوکارنو در اندونزی و مارشال تیتو در یوگوسلاوی سابق، پیروزی یک گروه کوچک پارتیزانی در کوبا به رهبری فیدل کاسترو و چه گوارا و خلاصه چند دهه انقلاب و آرمان‌گرایی و امید به راهی در سراسر کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین. جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ که پایتخت‌های کشورهای اروپایی از لهستان و آلمان تا انگلیس و شهرهای بزرگ امریکایی را به

”
**راه سوم،
 مقاومت بر اساس
 توصیه‌های بن
 سائق ادامه و تکامل
 راهبرد مقاومت
 بدون خشونت
 است**

لرزه درآورد. دورانی که جوش و خروش مبارزات سازمان‌های انقلابی در ایران منجر به پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ شد.

درست است که انقلاب در ایران نیز مانند تمامی انقلاب‌های بزرگ تاریخی و البته تاریخ‌ساز مردان و زنان خود را مثله کرد و خورد، با این حال خاطره جانفشانی نسلی که آن را تدارک و آماده کرده بودند از مذهبی و غیرمذهبی، از اعضای پاک‌باخته سازمان افسران حزب توده در دوران رضاشاه گرفته تا چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق و هزاران شهید این راه پردرد و خون، از انقلاب به یغما برده شده مشروطیت تا جنبش در نطفه خفه‌شده ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق با کودتای امریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در ذهن تاریخی ایرانیان باقی مانده بود.

دلیل دوم، جذاب بودن بن سائق، عاطفی و به‌خاطر سرگذشت تلخ و غم‌بار او در این مبارزات است. او هم‌زمان با همسر رزمنده‌اش که فرزندی در رحم داشته دستگیر و به تخت شکنجه بسته می‌شوند. چنین دوران سخت زندان را با مادرش در زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا تحمل می‌کند.

«... آن بچه شیرخواره تنها چند ساعت پس از وضع حمل پاتریسیا در سال ۱۹۸۰ از آغوش

پاتریسیا ربوده شد و یکی از شکنجه‌گران او را با خود برد. خبر داریم که آن مرد «تبهکار» تا آنجا پیش رفت که در آن زمان «رودولف» کوچک ما را به بازدید محل کار خود می‌برده است. به‌عبارت دیگر به مرکز شکنجه. جایی که مادر او و دیگران شکنجه می‌شد و شاید هم مادرش در همان جا به قتل رسیده است.^۱

جاذبه سوم بن سائق این است که نظر را با عمل در آمیخته و با گذشته خود و جنبش انقلابی چپ برخوردی انتقادی و از سر مسئولیت کرده، چند دهه جلای وطن اجباری و زندگی به‌صورت یک پناهنده که از قضای روزگار مصادف با فروپاشی بلوک شرق، شهادت چه‌گوارا، شکست جنبش‌های پارتیزانی در آفریقا و آسیا و همچنین عقب‌نشینی احزاب سوسیالیست و کمونیست در اروپا و امریکاست، او را از

ادامه پیکار برای آزادی، عدالت و سعادت نوع بشر منصرف نکرد، بلکه فرصت تازه‌ای برای نقد و تجدید نظر در روش‌های کلاسیک در اختیار او قرار داد. برخلاف بعضی از انقلابیون که با

شکست احزاب و جنبش‌های دلخواه خود از میدان به در می‌روند و طی یک فرآیند دفاع روانی و شخصیتی سر از میخانه‌ها درآورده یا به عالم عرفان پناه می‌برند و گوشه انزوا اختیار می‌کنند، یا با چرخشی یکصدووهشتاد درجه‌ای سر از اردوی راست درمی‌آورند که خود به بعضی از آن‌ها در اینجا و آنجا با نام و بی‌نام اشاره می‌کند، او از راه به در نمی‌رود. تحقق آرمان‌ها را به اشکال دیگری پیگیری می‌کند. به‌ویژه هم و غم او پس از هزیمت جنبش چپ، در پی اوج آن در دهه ۷۰ میلادی و تسلط انواع جریان‌های ارتجاعی بر عالم اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اندیشه و فلسفه این است که راه برون‌رفت جنبش جهانی چپ از بن‌بست چیست، به جست‌وجو در سطح راضی نمی‌شود و به اعماق می‌پردازد. از حصار تفسیرهای رایج از بی‌خدایی^{۱۱} سبک‌وزن و ماده‌باوری^{۱۲} سطحی، خارج می‌شود و به مطالعه فلسفه از عهد کهن تا امروز می‌پردازد. بدون پیشداوری، با همان آرمان‌ها و اهداف پاک دوران جوانی به جست‌وجوی راه‌های تازه وضعیت جدید می‌پردازد و از همه فلاسفه چیزهایی می‌آموزد. ارتباطات زنده و فعال با طبقات اجتماعی و اقوام و فرهنگ‌ها را در پاریس این شهر رنگارنگ و پرشور و هیجان و مهربان با تبعیدیان سیاسی جهان، حضور ادامه می‌دهد. اشارات و ارجاعاتش به فیلسوفان و فرهنگ‌ها از اقصی نقاط جهان شاهد این مدعی است. به‌خصوص به‌نظر می‌رسد همچون بسیاری از فیلسوفان معاصر جهان به‌ویژه اروپایی از اسپینوزا و فلسفه و عرفان هندی تأثیر می‌پذیرد. از هر «ایسمی» می‌گریزد. جهان را با چشم باز می‌نگرد: نه از دریچه تنگ فرضیات و نظریه‌های قالبی. به این ترتیب به تجدیدنظر اساسی در مبارزات انقلابی می‌پردازد، اما نه آنکه رادیکالیسم و ایده‌ها و آرمان‌های انقلابی را به‌طور کلی رها کند، راه دیگری مطابق روح زمانه برمی‌گزیند. آرمان‌هایش همان آرمان‌های چه‌گوارایی است: عدالت، سعادت نوع بشر، برابری، برادری، آزادی و رفع انواع تبعیض‌ها. متوجه می‌شود که فروپاشی بلوک شرق، تحقق نیافتن سوسیالیسم و کمونیسم

ناشی از یک نابرابری ساده در معادله نیروها، بدبیری، یا تضاد نیست، بلکه ناشی از تنگناها و اشکالات بنیادی در نظریه‌های انقلابی-سیاسی است که هدف اصلی‌شان کسب قدرت سیاسی

به‌ویژه با توسل به قهر انقلابی است. اصطلاح خود او «در دست گرفتن سکان کشتی قدرت» است. می‌گوید: هدف نه برانداختن چیزی بلکه ساختن چیزی است، نشان می‌دهد که هیچ کدام از جنبش‌ها و انقلاب‌ها یا احزاب سیاسی ریز و درشت پس از به دست گرفتن قدرت به اهداف از پیش اعلام شده نرسیده‌اند. از انقلاب کبیر فرانسه تا انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی، از سرنگونی حکومت‌های کوچک و بزرگ در اینجا و آنجا، از پیروزی احزاب سنتی چپ بر احزاب فاشیستی راست. دستاوردها را انکار نمی‌کند، اما آنچه را نمی‌پذیرد مطلق بودن داوری در باب خیر و شر و پایان ظلم است. ظلم جزئی از هستی است. در جایی جمله‌ای به این مفهوم دارد: «جهان بدون ظلم جهان بدون عدالت است». درواقع نه تنها ظلم و عدل، بلکه خیر و شر نیز نه تنها دل‌دل بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند.

می‌دانیم که این چیز تازه‌ای در فلسفه، آیین‌های کهن و قرائت‌های دینی-عرفانی نیست، اما آنچه در کارهای بن سائق تازگی دارد این است که فلسفه و عرفان را با تکاپوی زندگی همه جانبه واقعی و شادان روزمره درآمیخته و از نقد بنیادی تجربیات و اندوخته‌های بشری به راهکارهایی گسترش‌پذیر و تعمیم‌پذیر در شرایط متنوع بدون قالب‌سازی «این است و جز این نیست» رسیده است. همچنان که نه انقلاب را نفی می‌کند و نه اصلاحات را. در واقع «موقعیت‌گرایی»^{۱۳} است که سعی می‌کند همه چیز را در درون موقعیت درک و فهم کند و راه‌های تازه‌ای برای برون‌رفت از انفعال، سردرگمی و کژراهه پیدا کند. او جزو اولین اندیشمندان است که راه برون‌رفت از وضعیت انسدادی آرمان‌گرایی را در ترک گزاره‌های زیر یافت:

توجیه وسیله به خاطر هدف. به‌طوری که می‌دانیم، به‌رغم انکار مبارزان و انقلابیون سده‌های نوزدهم و بیستم عملاً تمام احزاب کلاسیک و جنبش‌هایی که فرماندهی سازمانی داشتند در عمل به این کژراهه رسیدند. یکی از ویژگی‌های او بیان مسائل عمیق فلسفی و سیاسی به زبان ساده و بی‌غل و غش و همه‌فهم است. به‌عنوان نمونه در مورد اینکه چگونه احزاب و جنبش‌های سیاسی در عمل به ورطه توجیه وسیله به خاطر هدف می‌افتند، چیزی که هرگز به آن اعتراف نمی‌کنند، می‌گوید: «فرماندهی انقلابی به اعضای خود می‌گوید فعلاً دنبال من بیاید». پس از کسب قدرت همه چیز رو به راه خواهد شد. اشکال عمده را از همین «فعلاً»، «همین امروز»، «فقط در همین مورد» می‌بیند.^{۱۴} نظر‌های که پیش از آنکه با منطق ابزاری و عقل جزئی، کارکردگرایی، فایده‌گرایی و عمل‌گرایی بتوان به آن رسید با اخلاق و درون‌بینی (دل) می‌توان به آن راه یافت: چیزی که فقط در دل شخصیت‌های آرمان‌گرایی که به دنبال کسب قدرت و «به جایی رسیدن» نیستند، می‌بالد و رشد می‌کند.

خلاصه سخن بن سائق تا جایی که به این نوشتار

”
برخلاف بعضی از
انقلابیون که با شکست
احزاب و جنبش‌های
دلخواه خود از میدان
به در می‌روند و طی
یک فرآیند دفاع روانی و
شخصیتی سر از میخانه‌ها
درآورده یا به عالم عرفان
پناه می‌برند و گوشه انزوا
اختیار می‌کنند، یا با
چرخشی یکصدووهشتاد
درجه‌ای سر از اردوی
راست درمی‌آورند که خود
به بعضی از آن‌ها در اینجا
و آنجا با نام و بی‌نام اشاره
می‌کند، او از راه به در
نمی‌رود

مربوط است و از خلال آثار او دریافت می‌شود این است که:

- همین جا و هم‌اکنون است که باید اصول (اخلاقی) رعایت شود.

- «فلسفه منازعه»^۴ از بن اشتباه است. خشونت کزراه است.

- قدرت در رأس نیست. در پایه است.

- کارهای کوچک آن‌قدر اهمیت دارد که کارهای بزرگ. اهمیت و ارزش کارها در کوچکی و بزرگی آن نیست. در ارزش ذاتی آن‌هاست.

- مقاومت، به جای براندازی.

- نگاه به درون، به جای نگاه به بیرون.

- قدرت در خود ما، در مردم است نه در بیرون از ما.

- قدرت در پایه و بدنه است نه در رأس.

- مقاومت سازنده‌تر از تهاجم است.

- دفاع بهتر از حمله است.

- شر ناموجود و فقدان خیر است؛ بنابراین چیزی

برای برانداختن وجود ندارد.

- دوگانه «یا انقلاب یا اصلاحات» یک انتخاب

نیست. میدان عمل، نه گفتن و مقاومت، خود راه

را نشان می‌دهد. از دل مقاومت راه باز می‌شود.

این همان مفهوم «مقاومت آفرینش است» ژیل

دلوز، فیلسوف فرانسوی «موقعیت» است که

عنوان یکی از کتاب‌های بن سائق است. به این

ترتیب مبارزه اساساً رنگ می‌بازد. مبارزه‌ای

وجود ندارد. مبارزه با چه چیز. «تو نباش تا من

باشم» اساس فساد است. درحالی که مقاومت

برای کسب موفقیت‌های هرچند کوچک بهتر

از براندازی رأس حاکمیت است: پافشاری در

خواسته‌های بحق بی‌سرنیاهان، بی‌شناسنامه‌ها،

اقلیت‌ها، محرومان، کسب حقوق طبیعی و انسانی، بهداشت و درمان، ایجاد سرپناه امن برای کودکان خیابانی و تحت پوشش گرفتن کودکان کار، دریافت و تثبیت حقوق قانونی موجود.

لازم نیست به دنبال هدف‌های بزرگ آرمان‌شهری باشیم، همین حقوق به رسمیت شناخته شده در هر مقطع اهمیت دارد که تثبیت شود. مدینه فاضله یک شبه ایجاد نمی‌شود. مدینه فاضله از مقاومت برای کسب حق آسایش همسایه و سلام کردن به او تأسیس می‌شود. حقوق آرمان‌شهری از همین قدم‌های هرچند کوچک خلق می‌شود. هیچ چیز خلق الساعه نیست. ■

پی‌نوشت:

۱. لازم است توضیح داده شود که چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان مضمون آیه‌ای است در قرآن که یکی از مراحل تدریجی کاهش خشونت بوده است، درحالی که قبیل از آن، در برابر عضو خاطمی قبیل، با تمامی قبیله جنگ می‌شده است. (میثمی)

۲. نگارنده باور ندارد که سخن فرد حتی عقاید او ناشی از عقل و عین شخصیت او است. همچنان که از قدیم گفته‌اند: میان حرف و عمل یک دنیا فاصله است. سورن کیرکگور (Soren Kierkegaard) فیلسوف دانمارکی متاله اصالت وجودی می‌گوید: «آنچه برای عمل، برای یافتن چیزی «که به خاطرش بتوانی زندگی کنی و بگیری»، لازم است عقل و عینیت نیست، بلکه شور و ذهنیت [داشتن چیزی در ذهن و عمل کردن به آن] است. رفتن در پی فلسفه‌ای عقلانی و عینی شاید از نظر فکری همان انگیزه و محرک باشد، اما به کار زندگی کردن نمی‌آید. معمولاً فیلسوفان (هگل هم مثل بقیه). مثل اکثر مردم در زندگی روزمره و در حقیقت تعقیب اهداف زندگی روزمره، از منطقی پیروی می‌کنند

که متفاوت با منطق آنان در عالم نظر و تفکرشان است». (فلسفه کیرکگور، ترجمه: خشایار دیبیمی) سخن صلح و عدم خشونت گرچه زیبا و دوست‌داشتنی است. همواره با ضد خود یعنی جنگ و خشونت در عمل همراه بوده و بلکه جنگ و خشونت حرف آخر را زده است. به عصر مدرن نگاه کنید. سفیدپوستان اروپایی، اهالی بومی قاره آمریکا از سرخپوستان جنوب تا زردپوستان شمالی را به زور و ظلم بسیار سرکوب کردند. تمام جهان را به زور درنوردیدند و بعدها هم با زور انقلابی خارج شدند، اکنون آمریکا می‌خواهد با زور همه جهان را مطیع خود کند.

۳. Henry David Thoreau

۴. John Ruskin

۵. حمید نوحی، از ناسوت تا لاهوت، تهران، شرکت سهامی انتشار و سایت www.hamidnoughi.com

۶. لازم به تذکر است که خشونت کور جاهلانیه توأم با توحش چند دهه اخیر از نوع سلفی‌گری و تکفیری، داعش و طالبان مبعثی جداگانه است که در بحث حاضر نمی‌گنجد.

۷. Miguel Benasayag.

۸. «زندگی، مبارزه و مقاومت»، نشر گام نو. «گسست‌های اندوه‌بار» نشر صمدیه و «مقاومت آفرینش است» نشر چشمه.

۹. میشل بن سائق، «مبارزه، مقاومت و زندگی». ص ۲۲۴، نشر گام نو، تهران، ۱۳۹۷.

۱۰. Athe isme.

۱۱. Materialisme.

۱۲. Situationist.

۱۳. نباید نادیده گرفت که در همه جای جهان از جمله ایران خودمان در دل جنبش چپ انقلابی شخصیت‌های اندیشمندی چون شادروان مصطفی شاعران بوده‌اند که به جمع‌بندی‌های مشابهی رسیده بودند که متأسفانه به دلایل بسیار پیچیده و بی‌شمار که بحث درباره آن در این مقال نمی‌گنجد در نطفه خفه شد.

۱۴. Philosophie de L' affrontement.

کتاب بخوانید و هدیه دهید



نشر صمدیه به مدیرمسئولی لطف‌الله میثمی افتخار دارد که در مدت بیست سال چندی کتاب سیاسی-راهبردی را به مرحله چاپ و انتشار رسانده است. در همین راستا بر آن است تا برای خوانندگان نشریه سیاسی-راهبردی چشم‌انداز ایران که علاقه‌مند به تهیه این کتاب‌ها هستند، با تخفیف ویژه ۲۰ درصدی، کتاب‌های درخواستی را ارسال کند. متقاضیان می‌توانند مبلغ محاسبه‌شده را به شماره حساب ۷۴۱۴۲۵۸۷۲، حساب پس‌انداز بانک ملت شعبه توحید، به نام لطف‌الله میثمی واریز نمایند.